

Three Women in Palestine - Eleonor, Lina & Sara¹

(Presentation for Footscray Baptist Church on March 3rd, 2024)



old olive tree branch
www.oxfuel.com

فلسطین (در 3 مارس 2024 Footscray ارائه برای کلیسای باپتیست) زنان در فلسطین - الئونور، لینا و سارا سرزمین تولد عیسی مکانی که او زندگی می کند، خدمت خود را انجام می دهد، شاگردانش را فرا می خواند، خیانت می شود، انکار می شود، محکوم می شود و می میرد. این جایی است که او معبد را در خواندن امروز ما پاک می کند. ما اخیراً در مورد فلسطین و فلسطینیان زیاد شنیده ایم، به ویژه در پنج ماه گذشته در جریان جنگ غزه. فلسطین، در تقاطع قاره های آسیا، آفریقا و اروپا در سرزمینی قرار دارد که برای بیش از 3000 سال برای یهودیت مسیحیت و اسلام اهمیت داشته است. در زمان عیسی این کشور بخشی از امپراتوری روم بود و سپس توسط مسلمانان، صلیبیون، مصریان، مغول ها و عثمانی ها اداره می شد. در ماه مه 1948، دولت اسرائیل ایجاد شد و پس از چند درگیری در سال 1967، فلسطینیان ادعای استقلال 22 درصد از اراضی خود را قبل از سال 1948 کردند. این عمدتاً همان چیزی است که ما به عنوان نوار غزه و کرانه باختری می شناسیم. این مساحت در صورت وسعت تاسمانی کمتر از 10 درصد است. حدود 5 میلیون فلسطینی در فلسطین و اسرائیل زندگی می کنند. این آخر هفته به تازگی شنیده ایم که حدود 30000 فلسطینی در درگیری های کنونی کشته شده اند که بسیاری از آنها کودک هستند. عیسی کسانی را که در معبد بودند که از مردم کوچک استثمار می کردند پاک کرد و برای کسانی که نمی توانستند برای خود بایستند، ایستاد. قرائتی که ما از افسسیان داریم توسط زنان فلسطینی انتخاب شده است که بیشتر دعاهایی را که امروز استفاده می کنیم آماده کرده اند. پیام آنها به ما این است: ما از شما خواهران و برادران در هر نقطه از جهان می خواهیم که با عشق ما را تحمل کنید. ما از شما می خواهیم که دعای خود را با دعای ما برای راه حلی عادلانه و مسالمت آمیز که به درد و رنج بشر پایان می دهد، متحد کنید. ما از شما می خواهیم که برای دستیابی به امنیت و صلح برای همه مردم در سراسر جهان با ما همبستگی کنید. اثر هنری که با ما به اشتراک گذاشته اند، اثر حلیمه عزیز است و سه زن فلسطینی را به تصویر می کشد که با هم در مکانی آرام در طبیعت مشغول عبادت هستند. درخت زیتون پشت سر آنها نشانه زندگی ابدی و فراوان است زیرا این درختان می توانند هزاران سال عمر کنند. زنان لباس سنتی فلسطینی بر تن دارند - لباس تاتریز دوزی و روسری سفید. ریشه های طلایی نشان می دهد که فلسطینی ها همیشه وجود خواهند داشت و همانطور که هستند برای حقوق و آزادی خود تلاش خواهند کرد. گل های خشخاش فلسطینیان را به یاد عزیزانی می اندازد که برای کشورشان جان باخته اند. کلیدی که به گردن آویخته شده نشان دهنده امید بازگشت به فلسطین است. درخت زیتون در فلسطین بسیار رایج است و تقریباً نیمی از زمین برای پرورش زیتون استفاده می شود. درختان زیتون می توانند هزاران سال زندگی کنند. در یک لحظه ما داستان سه زن فلسطینی و تأثیر جنگ فعلی بر مردم آنها را به قول خودشان خواهیم شنید. برای ارجاع به درختان زیتون در داستان های آنها گوش دهید.

اسم من الئونور است. من یک مسیحی فلسطینی هستم - عضو کلیسای ارتدکس یونان در سرزمین مقدس. من از یک خانواده ریشه دار قدیمی اورشلیم هستم. پوستم مثل تنه درخت زیتون چروک شده است. من مانند درختان زیتون شاهد جنگ و خشونت بوده ام. در اوایل قرن 19، پدر بزرگ من تاسیس شد کلیسای ارتدکس سنت جورج، که به مسیحیان ساکن خارج از دیوارهای شهر امکان می داد مکانی برای عبادت داشته باشند. این کلیسا تا فاجعه یا نکیه در سال وجود داشت، زمانی که 750000 فلسطینی مجبور به فرار، پراکنده شدن و پناهندگی شدند. خانواده من 1948 شامل. به دلیل گلوله باران و بمباران شدید، پدر و مادرم برای جان خود فرار کردند. آنها به خانه پسر عموی مادرم

¹ Please note the stories of the three women have been taken from "I Beg You... Bear With One Another in Love" World Day of Prayer, Prepared by the WDP Committee of Palestine for March 1st, 2024. Copyright © 2008-2023 World Day of Prayer International Committee, Inc.

پناه بردند، به این امید که به زودی به خانه اصلی خود و کلیسای سنت جورج بازگردند. که هرگز اتفاق نیفتاد. امروز، خانه والدینم و کلیسای سنت جورج تبدیل به خانه کنفدراسیون، یک مرکز فرهنگی اسرائیل شده است. قبل از فرار، همسایه های یهودی والدینم پیشنهاد کردند گنجینه های کلیسا، از جمله نمادها و جام های گرانبهای عشاء را ذخیره کنند. آنها قول دادند که تا بازگشت خانواده از اموال و دارایی های پدر و مادرم محافظت کنند. وقتی من و برادرانم بزرگ می شدیم، والدینم از همسایه هایمان با مهربانی یاد می کردند و منتظر روز بزرگ بازگشت بودند. آنها تصور می کردند که این اقلام مقدس را جمع آوری می کنند و از این همسایه ها به خاطر وفای به عهدشان تشکر می کنند. متأسفانه پدر و مادرم بدون اینکه متوجه این رویا شوند از دنیا رفتند. و با این حال، من به وضوح به یاد دارم که پدر و مادرم علیرغم درد و رنجی که برای همه چیزهایی که از دست داده بودند، همیشه سپاسگزار بودند و با مهربانی در مورد این همسایگان یهودی صحبت می کردند. پدر و مادرم به من آموختند که با عشق با دیگران تحمل کنم و همیشه به یاد داشته باشم که از کسانی که کارهای خوب انجام می دهند سپاسگزار باشم. از آنجایی که من به عنوان یک مسیحی فلسطینی زندگی را سپری کردم، انتخاب کردم که به طور کامل با تمام اعضای جامعه در سطوح محلی و جهانی درگیر باشم. من از مثال والدینم یاد گرفتم که چقدر مهم است که با دیگران بمانیم، حتی زمانی که زندگی سخت و دشوار است. من برنامه های کمک های بشردوستانه و توسعه و همچنین پروژه های اجتماعی و اجتماعی را طراحی و اجرا کرده ام. اینها به همه مردم صرف نظر از مذهب یا قومیت، جنسیت، موقعیت یا نیاز خدمت می کردند. من می توانستم کشور ریشه ام را ترک کنم، اما تصمیم گرفتم بمانم و به فرمان عیسی عمل کنم که دیگران را همانطور که او مرا دوست داشت، دوست بدارم.

اسم من لینا است. در 11 می 2022، عمه شیرینم را از دست دادم. روزنامه نگار معروفی که در جنین کشته شد. عمه شیرین برای من مانند شاخه درخت زیتون بود که در برابر بادهای شدیدی که حقیقت تجربه فلسطین را تهدید می کرد مقاومت می کرد. وقتی عمه شیرین مرد، فلسطین یک نماد، یک افسانه و یک روزنامه نگار معروف الجزیره را از دست داد. و با این حال، شیرین بیشتر بود. او همچنین عمه من، مادرخوانده من در غسل تعمید و بهترین دوست من بود. تا زمانی که به یاد دارم، شیرین الگوی من بود. او همچنین الگوی بسیاری از زنان جوان فلسطینی بود. عمه شیرین به مدت 25 سال زندگی خود را وقف گفتن داستان های تجربه فلسطینی و صدای حقیقت کرد. او از طریق صفحه تلویزیون وارد هر خانه در فلسطین و جهان عرب شد. بسیاری از مردم نمی دانستند که عمه من یک مسیحی فلسطینی است. با وجود تفاوت در سنت های اعتقادی، ایمان شیرین باعث شد که همه عشق ها را تحمل کند. او در کنار همه کسانی که آسیب دیده بودند ایستاد. او برای دسترسی مسلمانان و مسیحیان به اماکن مقدس در اورشلیم تلاش کرد. راست گفتن او نیز راهی برای تحمل عاشقانه با اشغالگران بود. *** اسم من سارا است. گاهی احساس می کنم برگ درخت زیتون کهنسال است که به ریشه ها متصل است. من به عنوان یک مسیحی لوتری در اورشلیم به دنیا آمدم و بزرگ شدم. زندگی به عنوان یک زن فلسطینی قطعاً چالش برانگیز بوده و هنوز هم هست. پدر بزرگ و مادر بزرگ من در یافا زندگی می کردند. آنها قبل از سال 1948 در آنجا بزرگ شدند و در کنار دیگر مسیحیان مسلمانان و یهودیان زندگی می کردند. زمانی که دولت اسرائیل در سال 1948 ایجاد شد، نیروهای اسرائیلی به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ من آمدند و آنها را مجبور به ترک خانه کردند. پدر بزرگ و مادر بزرگم در اردن پناهنده شدند. سالها بعد پدر بزرگ و مادر بزرگم برای دیدار به اورشلیم آمدند و پدر و مادرم مرا به سفری به یافا بردند. آنها برای نشان دادن خانه ای که قبلاً در آن زندگی می کردند هیجان زده بودند. همه چیز تغییر کرده بود به جز درختان که به ما کمک کردند مکان را شناسایی کنیم. متأسفانه افرادی که در حال حاضر در خانه زندگی می کنند با ما دشمنی کردند. من خیلی جوان بودم، اما یادم می آید که آنها فریاد می زدند. پدر بزرگم سعی می کرد به آنها توضیح دهد که اینجا خانه او بوده است. اما آنها از شنیدن بخشی از آن خودداری کردند و ما را بدرقه کردند. بعدها، وقتی به دیدار پدر بزرگ و مادر بزرگم در اردن رفتم، مادر بزرگم کلیدهای در را که مادرش هنگام خروج از خانه نگه داشته بود به من نشان داد. او کلیدها را با این امید نگه داشت که روزی بتوانند به خانه خود بازگردند. متأسفانه برای خیلی ها اینطور است. حتی امروز نیز مردم همچنان از خانه های خود بیرون رانده می شوند. بسیاری کلیدهای خود را به امید بازگشت نگه داشته اند، امیدی که به نسل ها منتقل می شود. می دانم درختی که از آنجا آمده ام قوی و مقاوم است. من می توانم با عشق با دیگران تحمل کنم. پدر بزرگ و مادر بزرگم راه را به من نشان دادند. *** امیدوارم شنیدن این زنان به آنچه در حال حاضر در فلسطین می گذرد آگاهی داشته باشد و ما را به انجام کاری که عیسی کرد و دفاع از «مردم کوچک» سوق دهد. دعای پایانی: خدای تمام دنیا، ما از داستان الئونور که با عشق فروتنانه با دیگران رفتار کرد و این عشق را در تعهد به جامعه ابراز کرد، سپاسگزاریم. ما با عشق به عیسی، از داستان لینا در مورد عمه اش تشکر می کنیم که به خاطر ایمان مسیحی اش توانسته بود همه مردم را تحمل کند و حقایق آنها را عاشقانه بگوید. روح القدس، ما از داستان سارا در رابطه عاشقانه با دیگران، همانطور که پدر بزرگ و مادر بزرگش به او یاد دادند، سپاسگزاریم.